

## علل پدیده کم‌آموزی و افت تحصیلی

### در مدارس و راه‌های مقابله با آن

فخرالسادات قریشی راد

است که از مدرسه فارغ‌التحصیل می‌شوند. به علت اینکه ترک تحصیل شامل ائتلاف وقت و قوای جوانان است و می‌تواند به عنوان یک مشکل اجتماعی تلقی شود. الگوهای پیشرفت ناکافی تحصیلی اغلب در سالهای اولیه مدرسه ظاهر شده و تا دوره نوجوانی ریشه‌دارتر می‌شود. تحقیقات نشان می‌دهد که ۵۰ درصد دانش‌آموزان دبیرستان اولین شکست تحصیلی را در دوم دبستان، ۷۵ درصد تا چهارم دبستان و ۹۰ درصد تا دوم راهنمایی تجربه می‌کنند. سپس از آغاز این الگو به عنوان یک دوره معیوب عمل خواهد نمود. زمینه ضعیف محصلین ناموفق در درسی که قبلاً در آن با شکست مواجه شده‌اند، اعتماد به نفس آنها را پایین می‌آورد و فقدان انگیزش و لذت در یادگیری به تدریج منجر به اختلاف بیشتری بین توانایی بالقوه و عملکرد تحصیلی می‌شود.<sup>۱</sup>

افرادی را در بر می‌گیرد که از لحاظ هوش متوسط یا بالا بوده ولی از لحاظ تحصیلی کمتر موفق هستند و به طور غیرمنتظره عملکرد ضعیف تحصیلی از خود نشان می‌دهند.

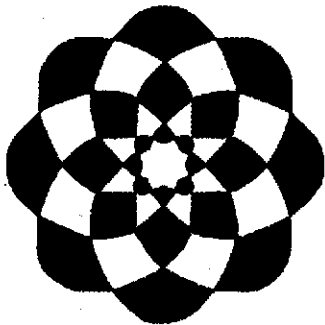
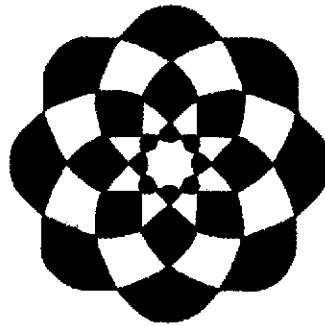
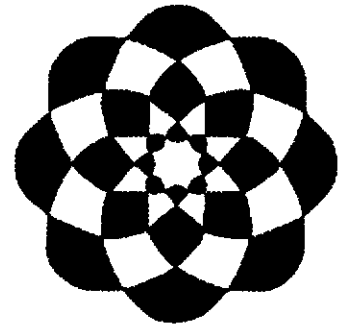
چنین عدم موفقیت در شکوفایی بالقوه تحصیلی را حدوداً در ۲۵ درصد کودکان سنین مدرسه و ۳۰ الی ۵۰ درصد نوجوانانی که در کلینیکهای روان‌پزشکی تحت درمان هستند تخمین زنده‌اند.

جوانانی که نمی‌توانند یا بی‌میل به استفاده بالقوه از نیروی عقلانی خود هستند، معمولاً پیشرفت‌های آموزشی و شغلی را که در حیطه توانایی آنهاست از دست می‌دهند. مطالعات طولی همبستگی مثبت بسیار بالایی بین تلاش عقلانی و پیشرفت تحصیلی در سنین نوجوانی، و بین پیشرفت تحصیلی و سطح شغلی در دوران بزرگسالی را نشان داده است. نوجوانانی که ترک تحصیل می‌کنند، احتمال مضاعف بیکار ماندن آنها در سنین جوانی بیشتر از افرادی

ظاهراً اکثریت افراد، هوش را یکی از عوامل بسیار مهم در امر موفقیت تحصیلی تلقی می‌کنند. ولی بسیاری از بچه‌های ناموفق در تحصیل کسانی هستند که در مدرسه معدل‌های پایین‌تر از آنچه از وضعیت هوشی آنان انتظار می‌رود کسب می‌کنند.

بطور کلی این موضوع پذیرفته شده است که عوامل گوناگونی در موفقیت تحصیلی دخالت دارد. نه تنها استعداد عمومی و آموزش مناسب، بلکه عواملی مانند علاقه درونی به ماده تدریس شده، انگیزه کودک نسبت به موفقیت و باور او به موفقیت نیز نقش مهمی دارند. عملکرد ضعیف تحصیلی و کم‌آموزی اختلالی است بین ظرفیت یا توانایی بالقوه فرد و عملکرد وی که منجر به گرفتن نمرات پایین‌تر از آنچه هوش قادر به اکتساب آن هستند می‌شود.

این تعریف<sup>۲</sup> شامل نمرات پایینی که ناشی از هوش محدود باشد نمی‌شود و تنها



### علل افت تحصیلی

پیشرفت ناکافی تحصیلی، ناشی از حلل مختلف است. احتمالاً علی رغم وجود هوش عمومی مناسب در بین بچه‌های دبستان، بی‌دقتی، معمول‌ترین دلیل عملکرد ضعف تحصیلی است: این مسئله که در اواخر دوره کودکی شروع و تا دوران نوجوانی ادامه می‌یابد، بطور فزاینده از عوامل اجتماعی فرهنگی و روانشناختی ناشی می‌شود. این عوامل شامل انگیزش پایین، امکانات محدود، کیفیت معین رشد یا آسیب‌شناسی روانی احساس خاص انزجار نسبت به جریان یادگیری ناسازگارانه تعامل خانواده می‌باشد.

### عوامل اجتماعی فرهنگی

در بسیاری از جوانان ناموفق در تحصیل، اختلاف بین عملکرد تحصیلی و ظرفیت عقلانی قبل از هرگونه آسیب‌شناسی روانی، عوامل اجتماعی فرهنگی را منعکس می‌کند. این عوامل

اساساً با تولید انگیزش پایین برای موفقیت تحصیلی یا امکانات محدود جهت اکتساب آن، به کسب معدلهای پایین و بر خلاف انتظار منجر می‌شود. مشاهده شده است که معمول‌ترین علت ترک تحصیل در پسران «بی‌علاقگی» و برای دختران «ازدواج» می‌باشد. هر چند که تحقیقات زیادی در مورد منشأ اجتماعی فرهنگی انگیزه پایین تحصیلی صورت نگرفته، ولی مدارک کافی بر این اعتقاد که ارزشها و اهداف غیرتحصیلی توسط عوامل خانوادگی، مدرسه، گروه همسالان و نقش جنسی پرورده می‌شود، وجود دارد.

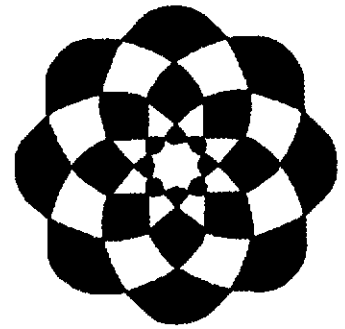
### انگیزه پایین

مکرراً در مطالعات آشکار شده است دانش‌آموزانی که در شرایط تحصیلی موفق هستند، بر عکس جوانان که به ارزشهای عقلانی و اهداف تحصیلی گرایش ندارند، فاقد انگیزه برای تلاش در شرایط تحصیلی می‌باشند. چنین دانش‌آموزانی شرایط

تحصیلی را دوست نداشته و انتظار هیچگونه رضایت درونی یا پاداش بیرونی برای عملکرد خوب ندارند.

اگر یادگیرنده معتقد باشد که در گذشته، در یادگیری مطالب مشابه با مطلب جدید موفق بوده است، با علاقه‌مندی به برخورد خواهد کرد

اگر یادگیرنده معتقد باشد که در گذشته، در یادگیری مطالب مشابه با مطلب جدید موفق بوده است، اما اگر به این اعتقاد رسیده باشد که یادگیری مطلب جدید نیز مانند یادگیری مطالب مشابه گذشته منجر به شکست خواهد شد، علاقه‌ای نسبت به یادگیری آن مطلب از خود نشان نخواهد داد. این عواطف و انگیزه‌های مثبت و منفی ابتدا مشخص و محدود به موضوعهای خاص بوده ولی



با افزایش تجارب مثبت و منفی گسترش یافته، و تا آنجا پیش می‌روند که تمام دروسهای آموزشی را در برمی‌گیرد.

باور فرد در توانایی‌اش برای موفق شدن، بخش جدائی‌ناپذیر مکانیزم انگیزش نسبت به موفقیت است. کودکان برانگیخته برای پیشرفت، نه تنها باید موفقیت را ارزیابی کنند، بلکه لازم است باور کنند که چنین موفقیتی ممکن است. به عقیده بندورا و شانگ (۱۹۸۱) قرار دادن شرط رضایت از خود، در سطح معینی از عملکرد باعث می‌شود تا افراد در کوشش‌هایشان آنقدر پافشاری کنند تا عملکردشان با معیارهای درویشان یکی شود. آنها اضافه می‌کنند اثر ادراکات فردی می‌تواند بر انتخاب فعالیت افراد، میزان تلاشی که باید بخرج دهند و زمان مقاومت آنها در برابر مشکلات اثر بگذارد.

به عبارت دیگر «خود تلقینی برای مقاومت» می‌تواند به دلیل باور نداشتن توانایی خود برای فراهم کردن معیارهای درونی از بین برود. جایی که باورها الگوهای تلاش را تحریف می‌کنند و این تحریف اثری عمیق بر موفقیت یا شکست خواهد داشت که به نوبه خود بر باورها نیز تأثیر می‌گذارد.

#### اثرات خانوادگی

نوجوانان و جوانان معمولاً با احساسات والدین خود در مورد تحصیل و مدرسه همانند سازی می‌کنند. والدینی که به روند آموزشی ارزش قائل هستند و برای تلاشهای معلمین احترام قائل می‌شوند،

نگرشهای مثبت را تقویت می‌کنند. در صورتی که والدینی که معلمین را تحقیر می‌کنند و یا ادعا دارند که بدون تحصیل

زیاد، امکانات زندگی را کسب کرده‌اند، نگرشهای منفی را می‌پرورانند. والدینی که نسبت به فواید آموزش رسمی به عنوان وسیله‌ای برای پیشرفت زندگی مشکوک هستند اغلب به کیفیت عملکرد فرزندان در مدرسه توجه اندکی نشان می‌دهند. پاداش و تنبیه‌هایی را که آنها در شیوه تربیتی بکار می‌برند، اغلب هیچ ارتباطی با تکالیف مدرسه یا دریافت معدهای خوب درسی توسط فرزندان خود ندارند. در نتیجه آنها انگیزه چندانی برای پیشرفت تحصیلی بدست نخواهند آورد. داده‌های حاصل از مطالعات طولی رشد کودک تأیید کرده است که هر قدر والدین ارزش بیشتری برای اکتساب عقلانی خود قائل باشند برای اکتسابات عقلانی فرزندان نیز ارزش قائل خواهند بود و در فعالیتهای عقلانی آنها نیز بیشتر شرکت خواهند کرد.<sup>۲</sup>

والدینی که معلمین را تحقیر می‌کنند و یا ادعا دارند که بدون تحصیل زیاد، امکانات زندگی را کسب کرده‌اند، نگرشهای منفی را می‌پرورانند.

در سطح دبیرستان مقایسه دانش‌آموزان موفق با دانش‌آموزان با پیشرفت ناکافی تحصیلی، که هر دو آنها از هوشبهر یکسان برخوردار بودند موارد زیر را آشکار ساخت:

۱ - عموماً والدین دانش‌آموزان موفق

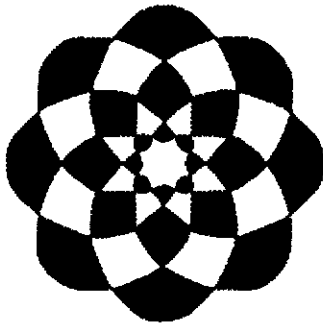
نسبت به پیشرفت تحصیلی بیشتر تشویق کننده بودند.

۲ - خانواده‌های دانش‌آموزان موفق به طور فعال در پیشبرد علائق عقلانی کودکان شرکت کرده و نگرش مثبتی نسبت به معلمین ایجاد می‌کنند.

۳ - دانش‌آموزان موفق نسبت به دانش‌آموزان با پیشرفت ناکافی تمایل کمتری به بیان نگرشهای منفی در مورد مدرسه و یا معلمین نشان می‌دهند.

بنابراین مشاهده شده است که هم برای کودکان و هم برای نوجوانان فقدان تحریک آموزشی در خانه و عدم علاقه والدین در پیشرفت تحصیلی بطور مستقیم با مشکلات تحصیلی و دریافت معدهای نسبتاً پایین ارتباط دارد.

روان‌درمان‌گرانی که با بچه‌ها کار می‌کنند اغلب با والدینی مواجه می‌شوند که از بی‌علاقگی فرزندان نسبت به درس شکایت دارند، و سؤال آنها این است که چگونه می‌توان در آنها نسبت به درس ایجاد انگیزه نمود. در مواردی این بی‌علاقگی به تحصیل، بیانگر انعکاس یکی از مشکلات روان‌شناختی است که در زیر مورد بحث قرار می‌گیرد. اما بهر حال در خصوص سیستم ارزشها، این نوع شکایات اغلب، بیانگر این حقیقت است که والدین بر خلاف آنچه بر زبان می‌آورند، نوعی بی‌زاری درونی نسبت به تحصیل دارند که به نحوی آن را به فرزندان خود منتقل می‌کنند، به عنوان مثال شخصی که علی‌رغم سطح تحصیل پایین یا سابقه بد تحصیلی موفقیت خوبی در بازار کار کسب کرده است، فرزند



دارای معدلهای خوب هستند نسبت به والدین بچه‌های با معدل پایین علاقه‌مندی بیشتری به تحصیل فرزند خود نشان می‌دهند، اطلاعات بیشتری از نظام تحصیل داشته و مدرسه را ابزار آماده‌سازی برای دانشگاه می‌بینند و با خرید کتاب یا اختصاص فضای مناسب برای مطالعه در خانه شرایط را برای مطالعه فرزندان خود فراهم می‌سازند.

ثانیاً والدین طبقه پایین که فعالیت تحصیلی را تشویق نمی‌کنند، ممکن است نگرشهای مثبت نسبت به ارتباط کلامی در فرزندان خود ایجاد نکنند. و این به دلیل ارتباط و همبستگی معنی‌دار مهارتهای کلامی با پیشرفت تحصیلی بسیار مهم است. جز این، تأثیر خواهر و برادران بزرگتر، خاله‌ها و عمه‌ها، و عمو و دایی و الگوهای بزرگسال دیگر که برای تحصیل ارزش قائل هستند می‌تواند نگرش مثبت به مدرسه را در این بچه‌ها ایجاد نماید. حتی اگر والدین آنها چنین نگرشی نداشته باشند.

### اثرات گروه همسال

شرکت در گروه همسالان که بر ارزشهای غیر عقلانی تأکید دارند نیز در ایجاد انگیزش پایین نسبت به پیشرفت تحصیلی نقش خواهند داشت. نیاز به پذیرفته شدن در گروه همسال که برای پیشرفت تحصیلی ارزش قائل نیست می‌تواند بر هرگونه انگیزه خود بچه غلبه کند. کالمن در یکی از تحقیقات اولیه خود در مورد تأثیرات گروه همسالان دریافت که در مدرسی که انجمن دانش‌آموزان معمولاً

نتیجه احتمال اینکه آنها در مورد فعالیتهای تحصیلی با فرزندان خود بحث کنند، آنها را درک و یا در ارتباط با دروس آنها را یاری داده و موفقیت‌هایشان را تحسین کنند، کمتر است.

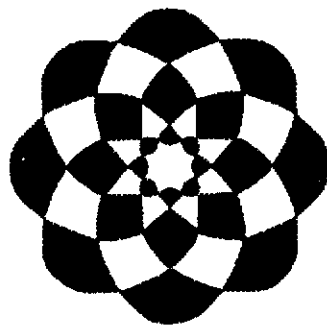
دانش‌آموزانی که در مدارس فاقد امکانات و معلمین کافی و در کلاسهای پرجمعیت حضور دارند، ممکن است نتوانند مهارتهای اساسی تحصیلی و عادات مطالعه لازم را در ارتباط با تحصیل دبیرستانی کسب نمایند.

بچه‌های خانواده‌های طبقه پایین در مقایسه با بچه‌های طبقات متوسط و بالا نسبت به مدرسه گرایش مثبت کمتری دارند. برای مثال، مدارکی در دست است از اینکه بچه‌ها نگرش شغلی خود را در سنین پایین تشکیل می‌دهند، تا پایان دوره راهنمایی تفاوت‌های مشخص مربوط به طبقه اجتماعی را در ارتباط با آرمان‌های خود نشان می‌دهند. کسانی که از طبقه اجتماعی بالا هستند، معمولاً اهداف تحصیلی نسبتاً بالاتر مشاغل با حیثیت‌تر را مورد هدف قرار می‌دهند. در صورتی که افراد طبقات پایین اجتماعی به خودشان سطح پایین وضعیت‌پایین‌تر شغلی را پذیرفته‌اند.

البته این جریان را نمی‌توان در همه خانواده‌های طبقه پایین عمومی فرض کرد. در حله اول ممکن است والدین متعلق به یک گروه خرده فرهنگی، نگرشهای کاملاً متفاوتی داشته باشند. والدین بچه‌هایی که

خود را به علت احراز معدل پایین یا نداشتن نگرش مثبت به تحصیل سرزنش می‌کند، اما غیر مستقیم بوسیله رفتارهای دیگر خود این پیام را که بدون تحصیل هم می‌توان موفق شد، منتقل می‌کند. در چنین مواردی پرواضح است که سطح تحصیل والدین هر قدر پایین‌تر باشد، احتمال بیشتر کسب معدلهای پایین و ترک تحصیل وجود دارد. این کیفیت در تحقیقات مکرراً آشکار شده که معدل نوجوانان همبستگی مثبت با سطح تحصیل والدین دارد، مشابه آن، نوجوانانی که نگرش منفی نسبت به مدرسه دارند، اغلب در خانواده. یا محل زندگی خود الگوهایی از بزرگسالان را ندارند که از تحصیل بهره‌مند شده باشند، همانطور که این یافته‌ها مشخص می‌کند، طبقه اجتماعی والدین ممکن است عاملی برای تعیین نگرش فرزندان نسبت به مدرسه باشد،

والدین طبقات متوسط و بالا معمولاً از سطح تحصیلی خوب برخوردار هستند و تحصیل را بهترین راه برای آماده شدن برای زندگی، از لحاظ اجتماعی، روانشناختی و شغلی می‌دانند. در نتیجه آنها همیشه از فواید تحصیل صحبت می‌کنند و فعالیتهای تحصیلی فرزندان خود را مورد توجه قرار می‌دهند و آنچه را که در مدرسه آموخته می‌شود مورد بحث قرار می‌دهند. برخلاف آنان، والدین طبقات پایین، که از حداقل سطح تحصیلی برخوردارند ممکن است مدرسه را با نگرش خصمانه بررسی کنند. و لزومی برای شرکت فرزندان خود در مدرسه به عنوان یک نیاز قانونی یا راهی برای اکتساب شغل پردرآمدتر نبینند. در



به عملکرد تحصیلی ارزش قائل بودند، همانطور که انتظار می‌رفت، با هوش‌ترین بچه‌ها بالاترین معدل را احراز می‌کرد. از طرف دیگر در مدارسی که انجمن دانش‌آموزان به عملکرد تحصیلی ارزش چندانی قائل نبودند، دانش‌آموزانی که بالاترین معدل را کسب می‌کردند، باهوش‌ترین دانش‌آموزان نبودند، ظاهراً بسیاری از آنها به علت اینکه مبادا در بین اعضای انجمن محبوبیت خود را از دست دهند، از کسب معدل خوب اجتناب می‌ورزیدند.

#### اثرات نقش جنسی

یک عامل تعیین کننده مهم دیگر اجتماعی فرهنگی، در انگیزش پیشرفت تحصیلی، تعریف رایج از نقش جنسی در خرده فرهنگ بچه می‌باشد. در بعضی از گروه‌ها تلاش تحصیلی و پیشرفت به عنوان صفات دخترانه در نظر گرفته می‌شود و پسرانی که در دروس خود موفق هستند ممکن است با القاب منفی توسط اعضای گروه خطاب شوند. چنین نگرشهای منفی نسبت به عملکرد تحصیلی خوب، انگیزش پیشرفت تحصیلی را پایین می‌آورد. در گروه دیگری ممکن است عملکرد عالی تحصیلی و اندیشه یک خط مشی و یا شغل مشخص بخصوص در دوره نوجوانی به عنوان ویژگی مردانه تلقی شود در چنین گروههایی دخترانی که به مطالعات فراتر از زندگی اجتماعی ارزش قائل هستند و بخصوص اگر قصد ادامه تحصیل در رشته‌های مردانه چون مهندسی، حقوق یا پزشکی را داشته باشند، ممکن است خانواده یا دوستانشان

زنانگی آنان را مورد سوال قرار دهند. چنین والدینی که به پیشرفت عقلانی پسرانشان افتخار می‌کنند ممکن است به موفقیت تحصیلی دخترشان علاقه کمتری نشان دهند. در چنین شرایطی اغلب از اشتیاق دختران نسبت به تحصیل کاسته می‌شود و ممکن است منجر به پیشرفت ناکافی تحصیلی شود.

در بعضی از گروه‌ها تلاش تحصیلی و پیشرفت به عنوان صفات دخترانه در نظر گرفته می‌شود و پسرانی که در دروس خود موفق هستند ممکن است با القاب منفی توسط اعضای گروه خطاب شوند. چنین نگرشهای منفی نسبت به عملکرد تحصیلی خوب، انگیزش پیشرفت تحصیلی را پایین می‌آورد.

در خانواده‌هایی که گرایش مثبتی نسبت به تحصیل دارند، احتمال انتقال اهمیت یادگیری، هم به دختران و هم به پسران بیشتر است با وجود این، ملاکهای بالاتری برای پسران در نظر گرفته می‌شود تا دختران، چون عقیده بر این است، که اساساً پسران هستند که باید صاحب شغلی شده و نان آور خانواده باشند. البته، در شرایط نوین اجتماعی چنین تعاریف سنتی از نقش جنسی تأثیر کمتری بر انگیزش تحصیلی دارد.

#### امکانات محدود

بچه‌های توانا که انگیزه مناسبی برای

پیشرفت تحصیلی دارند، ممکن است به علت عوامل اجتماعی فرهنگی که امکانات یادگیری و مطالعه کمتری در اختیارشان قرار می‌دهد، نتوانند به اهداف خود دست یابند.

یکی از مهمترین عوامل ناتوانی آموزش ابتدایی در آماده نمودن بچه‌ها برای تحصیلات دبیرستانی و دانشگاهی است. دانش‌آموزانی که در مدارس فاقد امکانات و معلمین کافی و در کلاسهای پرجمعیت حضور دارند، ممکن است نتوانند مهارتهای اساسی تحصیلی و عادات مطالعه لازم را در ارتباط با تحصیل دبیرستانی کسب نمایند. از طرفی ممکن است بچه‌هایی هم که در مدارس خوب تحصیل می‌کنند نتوانند به علت بیماری یا تعویض مدرسه که تداوم روند یادگیری را مختل می‌کند، پیشرفت تحصیلی مناسبی داشته باشند. همچنین کم‌آموزی تحصیلی می‌تواند از شرایط فوق برنامه تحصیلی که حواس بچه‌ها را منحرف می‌کند ناشی شود. نوجوانانی که مجبورند ساعتهای متمادی کار کنند و مسئولیت سنگینی را نیز در خانه بپذیرند، وقت و انرژی کافی برای مطالعه نخواهند داشت، حتی اگر توانایی و اراده آن را داشته باشند. حتی نبود محل آرام برای مطالعه می‌تواند در معدل پایین نامتناسب با توانایی نقش داشته باشند.

#### پی‌نوشت‌ها:

1 - Fitz simmons, cheever, leonard

Macunorich, 1969

2 - Hess shipman, 1967, katz, 1967